

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

تیمور شاه تیموری

مُخَمَّس بر غزلِ حافظ

ساقی من که همان دلیر مهوش باشد چشم بد دور که خوش مشرب و دلکش باشد
صافی و درد ازو بهر همه خُوش باشد نقد صوفی نه همه صافی و بیغش باشد
ای بسا خرقه که مُستوجبِ آتش باشد
باده خوران که به حکم ازلی هست شدی بهر آرامی جـان سر بکف دست شدی
نه چو شیخی که به دیوان و دد همدست شدی صوفی ما که ز ورد سحری مست شدی
شامگاهش نگران باش که سرخوش باشد
شش جهت عاشق رنجیده بیاید به میان سخن عاشق بیچاره شود ورد زبان
نشود راز دل سوختگان زود عیان خوش بود تا محک تجـربه آید بمیان
تا سیه روی شود هر که در او غش باشد
میکشم رنج و تعب تا ببرم راه بدوست اینهمه محنت و غم، ناله سازنده ازوست
خوش بود لذت دیدار که دیدار نکوست نـاز پرورد تنعم نبرد راه به دوست
عـاشقی شیوه رندان بلاکش باشد
تا توانی به جهان ساغر و پیمانه بخور لب به لب باده بخور با لب جانانه بخور
ساغـری چند بحکم دل دیوانه بخور غم دنیای دنی چند خـوری باده بخور
حیف باشد دل دانـسا که مشوش باشد

تیموری دست ز آئین خرد دار و فروش آن خروشی که بیابی تو از آن باده نوش
جسم و جان جز به می ناب نباید بفروش دلّ و سجاده حافظ ببرد باده فروش
گر شراب از کف آن ساقی مهوش باشد

(المان - ۲۰ اپریل ۲۰۱۲)